

12 جنوری 2009

## دولت های عرب طرفدار امریکا و جنگ غزه

محمد اکرام اندیشمند

12-01-09



اگر حماس برای اسرائیل تنها به عنوان دشمن گنہکاری که بسوی شہرک نشین های اسرائیلی موشک پرتاب می کند مستوجب عقوبت سرکوبی و نابودی است، اما جرم حماس درنگاه دولت ها و زمام داران عربی جانبدار ایالات متحده امریکا و غرب جرم مضاعف و نابخشودنی تر است. به ویژه حماس در چشم خادم حرمین شرفین پادشاه عربستان سعودی و شہزادہ های حاکم آل سعود سه بار به عنوان گنہکار اصلی نمایان می شود: نخست به عنوان یک گروه بنیادگرای اسلامی که با سیاسی ساختن اسلام موجب ناراحتی زمام داران محافظ کار عربی به خصوص مایه درد سر و خطر برای سلطه و حاکمیت شاهان و شہزادگان آل سعود می شود. دوم به عنوان یک گروه سرکش و گپ نشنو که گوش شنوایی برای سمع و اطاعت دیدگاه ها و طرح های حاکمان عربی ندارد. و سوم به عنوان یک گروه دارای روابط با جمهوری اسلامی ایران که حلقه های بسیاری در جامعه سنی اعراب از شاهان و شہزادگان تارؤسای جمهور به خصوص حاکمان آل سعود بسوی حاکمان تهران به چشم دشمن رافضی و نامسلمان می بینند. اگر برای حکام محافظ کار و سنی اعراب، حزب الله لبنان یک جنبش متحد و وابسته با دولت اسلامی تشیع ایران تلقی می شود هویت یکسان مذهبی حزب الله با حاکمان شیعه در تهران اندکی از درد و خشم آنها میکاهد؛ اما روابط حماس به حیث یک گروه سنی عرب فلسطینی به گمان آنها به خصوص از دیدامیران و شاهزادگان آل سعود، با حاکمان رافضی در تهران جرم مشهود و غیرقابل عفو است. از این رو حاکمان و شاهان عرب بیشتر از اسرائیل اشتیاق سرکوبی و نابودی حماس را دارند. اگر آنگونه که بسیاری از آگاہان دنیای سیاست و رسانه ها بخش عمده ای از انگیزه و عامل جنگ اسرائیل راعلیه حزب الله لبنان در تابستان سال 2006 نتیجه ی تشویق و ترغیب آنها برای سرکوبی یک گروه شیعه ی طرفدار ایران تلقی می کنند درست باشد، بدون تردید این ترغیب و تشویق در جهت سرکوبی حماس بیشتر از آن است. هر چند در جنگ غزه خون بسیاری از مردان، زنان و کودکان معصوم فلسطینی با بمب و گلوله های اسرائیل به زمین می ریزد و هر چند صحنه های فجیع و دلخراش این کشتار قلب هر انسان با وجدان و باعاطفه را اعم از مسلمان و نامسلمان و عرب و عجم به درد می آورد، اما دل های خادم

حرمین شرفین و حکام عرب در این خون ها که مزده از سرکوبی و نابودی حماس دارد خشنود می شوند.

هرچند اعضای شورای امنیت ملل متحد به استثنای ایالات متحده آمریکا که از حامیان اصلی تمام تجاوز جنایات اسرائیل است روز گذشته (8 جنوری 2009) قطع نامه آتش بس فوری را صادر کردند؛ اما به نظر نمی رسد که اسرائیل بدون دسترسی به راندن کامل حماس از صحنه ی سیاسی و نظامی در غزه و در میان فلسطینیان جنگ غزه را متوقف کند؛ آنگونه صدر اعظم اسرائیل از عدم پذیرش این قطع نامه سخن گفت. اگر حماس همچنان در غزه هرچند ضعیف تراز قبل باقی بماند و نیروهای اسرائیلی غزه را ترک نکنند نه زمام داران عرب متحد آمریکا به اطمینان خاطر دست می یابند و نه اسرائیل به اهداف خود می رسد. از سوی دیگر اسرائیلی ها جنگ غزه را که با این همه وحشت و بی رحمی براه انداختند و ادامه میدهند یک فرصت خوب در جهت جبران حقارتی می شمارند که در جنگ علیه حزب الله (آگست 2006) دامنگیرشان شد. حماس و فلسطینیان در غزه یک لقمه ی خوب برای بلعیدن اسرائیل است. مع هذا اسرائیلی ها بدون توجه به تصویری که از این جنگ در اذهان عمومی دنیا نقش می بندد همچنان غزه را به خاک و خون می کشاند.



زنان و کودکان فلسطینی در غزه که از سوی نیروهای اسرائیل این چنین مظلومانه کشته شده اند.

اما در بیان جنگ نابرابر و خونین غزه این نکات قابل بحث و بررسی است که مسئولیت حماس در این فاجعه چیست؟ نقش جمهوری اسلامی ایران که حماس و فلسطینی های غزه تاوان روابط با آنها را می کشند در این فاجعه چگونه ارزیابی می شود؟

صرف نظر از اینکه حماس به عنوان یک گروه مقاومت فلسطینی در برابر اشغال و بیاد اسرائیل شناخته می شود، حماس به عنوان یک گروه اسلامی مانند بسیاری از احزاب و گروه های اسلامی کشورهای دیگر مسلمان نشان داد که فاقد توانایی و برنامه سیاسی و مدیریتی در میان مردم و جامعه خود است.

حماس نتوانست در میدان مدیریت جامعه ی فلسطینی درست و عقلانی عمل کند. حماس با این سیاست نخست موجب درگیری و جنگ با گروه های دیگر فلسطینی شد و سپس بی اعتمادی و خصومت بسیاری از دولت ها و زمام داران عرب را در برابر خود برانگیخت.

واما جمهوری اسلامی ایران که از همه بیشتر سنگ دفاع از اسلام و فلسطین را به سینه میزند بیشتر از همه با ریاکاری و تظاهر عمل می کند. حاکمان ایران چیزی بیشتر از شعارهای میان خالی و دروغین در دفاع از فلسطینی های مظلوم ندارند. دولتمردان جمهوری اسلامی ایران در حالیکه سیاست حمایت از حزب الله لبنان و حماس فلسطین را در جهت اهداف و منافع حاکمیت خود مورد عنایت قرار میدهند، نحوه ی همکاری و پشتیبانی آنها با این دو گروه اسلامی شیعه و سنی از همسانی و صداقت برخوردار نیست. حماس و فلسطینیهای غزه به جرم روابط با جمهوری اسلامی ایران در معرض کشتار و حشتناک اسرائیل قرار گرفته اند، اما حاکمان ایران در تهران بار جزخوانی و حرف های مفت فریاد حمایت از حماس و فلسطین سر میدهند.

از این ها گذشته اگر موضوع فلسطین و فلسطینی ها به عنوان یک معضل لاینحل و زخم خونین در دنیای اسلام و عرب مورد توجه و مطالعه قرار بگیرد، تصویر عمیق و گسترده ای از ابعاد این مصیبت و تراژیدی در ذهن مجسم می شود. نیروهای اسرائیلی در روزهای عاشورای حسینی زنان مظلوم و کودکان معصوم فلسطینی را در غزه به خاک و خون می کشند اما دومیون مسلمان شیعه ی عرب و عجم در کربلا به سرو صورت خود میزنند. اسرائیلی ها با ایجاد یک دولت نیرومند در فلسطین هر روز بر نیرومندی حاکمیت و نظام مدیریت و اداره خویش در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی می افزایند اما سازمان القاعده در دنیای عرب و اسلام و سایر گروه های افراطی در جوامع اسلامی عملیات خودمرداری را ترویج و تشویق می کنند که نتیجه آن چیزی جز گسترش فرهنگ جهالت و وحشت در جهت تشدید خصومت میان مسلمانها و افزایش فقر و بدبختی در کشورها و جوامع اسلامی نیست.

اسرائیلی ها از سالهای متمادی بدینسو مشغول سرکوبی و ذبح اعراب فلسطین در خانه و زمین فلسطینی ها هستند، اما امیران، شاهان و حاکمان عربی با زمام داران جامعه سرمایه داری دنیای غرب و صاحبان کمپنی های این دنیا مشغول قماربازی و شراب نوشی اند. ملک عبدالله که عنوان خادم حرمین شرفین را برای فریب جوامع عقب مانده و فقیر اسلامی دنیا یدک می کشد تنها 25 میلیون دالر جهت مصرف رقابت خانم کلنتون بر سر انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا هدیه میدهد.

آیا در چنین وضعیتی مضحک و مصیبت بار حاکم بر جوامع عربی و اسلامی می توان به حل تراژیدی فلسطین به عنوان یک مشکل جامعه ی عربی و اسلامی دل بست؟